

واکاوی عقبات ولایت و مرصاد از منظر آیات و روایات

نویسندگان	وابستگی سازمانی
مریم احمدی مطلق *	دانش آموخته سطح ۲، حوزه علمیه خواهران، نجمه خاتون (س)، ایران
اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله	پژوهشی
صفحه	۴۷ - ۳۹
دوره ۱، شماره ۲ (شماره پیاپی ۲)	
اطلاعات نویسنده مسئول	
نویسنده مسئول	مریم احمدی مطلق
کد ارکید	
تلفن	۰۹۱۲۶۹۰۰۷۶۹
ایمیل	maryamahmadymotlagh@gamail.com
سابقه مقاله	
تاریخ دریافت	۱۴۰۵/۰۱/۰۷
تاریخ ویرایش	۱۴۰۵/۰۱/۰۸
تاریخ پذیرش	۱۴۰۵/۰۱/۲۰
تاریخ انتشار	۱۴۰۵/۰۲/۰۱
روش پژوهش	توصیفی تحلیلی
واژگان کلیدی	اطاعت، امامت، عقبه، مرصاد، ولایت
توضیحات	
کلیه حقوق این مقاله متعلق به نویسندگان می باشد.	
خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد و تغییر جزئی را با ذکر منبع آن دارند.	
نحوه استناد	احمدی مطلق، مریم (۱۴۰۵)، « واکاوی عقبات ولایت و مرصاد از منظر آیات و روایات»، ماهنامه علمی فقه، حقوق و مطالعات اجتماعی، دوره ۱، شماره ۲، شماره پیاپی ۲، (اردیبهشت ۱۴۰۵)، صفحات ۳۹ - ۴۷

Challenges of Wilayah & Mirsad from the Perspective of Verses & Narrations

Authors		Organizational Affiliation
Maryam Ahmadi Motlag*		Graduate of Level 2, Women’s Seminary, Najmeh Khatoun (SA), Iran
Article Information		Abstract
Article Type	Research	Aqaba refers to the difficult and fateful stages in the path of human growth or in the realm of the Day of Judgment, which require faith and righteous action to pass through. Where the truth of human actions and beliefs is revealed and divine justice is realized. Wilayat also refers to the belief and practical connection with divine leadership and acceptance of the guidance of the saints of truth, and in addition to the social dimension, it also has a spiritual and hereafter dimension. The purpose of this research is to examine and explain the relationship between aqabat and mersad with the issue of wilayat based on the verses of the Quran and Islamic narrations. This research was conducted with a descriptive-analytical method and based on library studies, and through a conceptual and semantic analysis of the verses and narrations, it organizes the theoretical framework of the discussion. The results of the research show that in the Shiite theological perspective, wilayat is not merely a historical or political principle, but a fundamental criterion in measuring faith and accepting actions, and in the narrative explanation, it plays an effective role in passing through the difficult stages of the Day of Judgment and realizing salvation.
Pages	39 - 47	
Volume 1, Issue 2, Two Consecutive Issue		
Corresponding Author’s Info		
Corresponding Author’s	Maryam Ahmadi Motlag	
ORCID	0000-0000-0000-0000	
Tell	09126900769	
Email	maryamahmady motlagh@gamail.com	
Article History		
Received	2026/03/27	
Revised	2026/03/28	
Accepted	2026/04/09	
Published Online	2026/04/21	
Research Method	Descriptive Analytical	
Keywords		Obedience, Imamate, Aqaba, Mersad, Wilayat
Description		
All rights to this article belong to the authors.		
Readers of this magazine are permitted to distribute, recombine, and modify the material with due acknowledgement of the source.		
How to Cite This Article	Ahmadi Motlag, Maryam (2026), “Challenges of Wilayah & Mirsad from the Perspective of Verses & Narrations”, Monthly Scientific Journal of Jurisprudence, Law and Modern Social Studies, Volume 1, Issue 2, Two Consecutive Issue (May 2026), pp. 39 – 47	

۱: مقدمه

مسئله معاد و سرنوشت نهایی انسان از بنیادی‌ترین مباحث الهیات اسلامی است که همواره در کنار توحید و نبوت، جایگاهی تعیین‌کننده در نظام اعتقادی داشته است. قرآن کریم با ترسیم صحنه‌هایی از حساب، میزان، صراط و جزاء حیات اخروی را عرصه ظهور حقیقت ایمان و عمل معرفی می‌کند. در این میان، مفاهیمی چون «عقبه» و «مرصاد» تصویری گویا از دشواری‌های مسیر نجات و دقت در سنجش اعمال ارائه می‌دهند؛ عقبه نماد مراحل سخت و تعیین‌کننده‌ای است که عبور از آن نیازمند آمادگی معنوی است و مرصاد بیانگر نظارت و عدالت فراگیر الهی در مقام داوری نهایی است. از سوی دیگر، در اندیشه امامیه، «ولایت» صرفاً یک اصل تاریخی یا سیاسی تلقی نمی‌شود، بلکه حقیقتی الهی و استمرار خط هدایت نبوی دانسته می‌شود که پیوندی عمیق با ایمان، قبولی اعمال و سرنوشت اخروی انسان دارد. از این رو، بررسی نسبت میان این مفاهیم، می‌تواند افق تازه‌ای در فهم پیوند میان امامت و معاد بگشاید. تأمل در آیات و روایات نشان می‌دهد که معارف مربوط به قیامت، تنها به بیان پاداش و کیفر محدود نیست، بلکه چارچوبی منسجم از سنجش اعتقادات، نیت‌ها و التزام عملی انسان را ترسیم می‌کند. در این چارچوب، ولایت به‌عنوان محور هدایت و معیار تمایز حق از باطل، جایگاهی اساسی می‌یابد و در برخی متون روایی، نقشی تعیین‌کننده در عبور از مراحل دشوار قیامت برای آن ترسیم شده است. از این منظر، عقبات را می‌توان نماد ایستگاه‌های سنجش ایمان دانست و مرصاد را جلوه‌گاه عدالت الهی که در آن، حقیقت پیوند انسان با ولایت آشکار می‌شود. بنابراین، واکاوی ارتباط میان عقبات، مرصاد و ولایت، نه تنها بخشی تفسیری یا روایی، بلکه پژوهشی کلامی در باب نسبت هدایت دنیوی با رستگاری اخروی است که می‌تواند به تبیین عمیق‌تر ساختار اعتقادی شیعه در پیوند میان امامت و معاد بینجامد. پیوند میان ولایت و سرنوشت اخروی انسان از مسائل بنیادین الهیات امامیه است که تبیین درست آن می‌تواند نسبت میان امامت و معاد را روشن سازد و از برداشت‌های افراطی یا تقلیل‌گرایانه جلوگیری کند. از آنجا که مفاهیمی چون عقبات و مرصاد در تفسیر روایی با مسئله سنجش ایمان ارتباط یافته‌اند، بررسی منسجم و تحلیلی این پیوند ضرورتی علمی و اعتقادی دارد. پژوهش حاضر با تمرکز هم‌زمان بر دو مفهوم قرآنی «عقبه» و «مرصاد» و تحلیل تطبیقی آیات و روایات، می‌کوشد پیوند ساختاری ولایت با مراحل سنجش اخروی را در قالبی منسجم و نظام‌مند تبیین کند؛ امری که در آثار پیشین غالباً به‌صورت پراکنده یا تک‌بعدی بررسی شده است. پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به این سؤال اصلی است که: واکاوی عقبات ولایت و مرصاد از منظر آیات و روایات چیست و چه نسبتی با سرنوشت اخروی انسان دارد؟

۲: مفهوم‌شناسی

مفهوم‌شناسی ولایت و مرصاد، گام نخست در تحلیل عقبات پیش‌روی مسیر حق است. فهم دقیق معنای لغوی و اصطلاحی این دو واژه، زمینه تبیین جایگاه آن‌ها در قرآن و روایات را فراهم می‌سازد. از این رو، پیش از ورود به مباحث تحلیلی، واکاوی مفهومی این اصطلاحات ضروری به نظر می‌رسد.

۲-۱: مفهوم عقبه

«عقبه» در لغت به معنای گردنه، راه دشوار و مسیر سختی است که عبور از آن نیازمند تلاش و تحمل مشقت است. این واژه از ریشه «عقب» گرفته شده و بر نوعی صعود و گذر از مانع دلالت دارد. در منابع لغوی، عقبه به هر امر دشوار و پرمشقت نیز اطلاق شده است؛ خواه دشواری مادی مانند گذر از کوه، و خواه دشواری معنوی و اخلاقی. بنابراین، کاربرد این واژه در متون دینی می‌تواند ناظر به موانع سلوکی، اخلاقی یا اخروی باشد که انسان در مسیر کمال با آن روبه‌رو می‌شود. گستره معنایی عقبه نشان می‌دهد که این مفهوم علاوه بر معنای حسی، ظرفیت دلالت بر مراتب معنوی و تکلیفی را نیز دارد و می‌تواند استعاره‌ای از گذرگاه‌های سرنوشت‌ساز در حیات فردی و اخروی انسان تلقی شود (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۶۲۸). در تحلیل قرآنی، آیه «فَلَا أَفْتَحُمُ الْعَقَبَةَ» (سوره بلد: آیه ۱۱) عقبه را به‌عنوان مرحله‌ای معرفی می‌کند که انسان باید آن را «اقتحام» کند؛ یعنی با اراده و مجاهده از آن عبور نماید. ادامه آیات، مصادیقی همچون آزاد کردن برده، اطعام در روز قحطی و یاری یتیم و مسکین را به‌عنوان تفسیر

عقبه بیان می‌کند که نشان می‌دهد این واژه ناظر به مسئولیت‌های اخلاقی و اجتماعی دشوار است. در عین حال، برخی تفاسیر با توجه به سیاق سوره و پیوند آن با معاد، عقبه را اعم از تکالیف دنیوی دانسته و آن را شامل مراحل دشوار سنجش در قیامت نیز می‌دانند. بدین ترتیب، عقبه در قرآن مفهومی چندلایه است که هم بُعد اخلاقی - اجتماعی و هم بُعد اخروی را دربرمی‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۳۲۳)

۲-۲: مفهوم مرصاد

لغت «مرصاد» از ریشه «رصد» گرفته شده و به معنای محل کمین، نگاه دقیق و مراقبت پیوسته است. این واژه در متون لغوی، به هر جایگاهی که انسان یا نیروهای دیگر بتوانند حرکات دشمن را زیر نظر داشته باشند و به محض اقدام وی عکس‌العمل نشان دهند، اطلاق شده است. علاوه بر معنای مادی، مرصاد در متون دینی می‌تواند بیانگر نظارت و احاطه کامل الهی بر اعمال و نیت‌های انسان باشد، جایی که هیچ حرکتی از نظر خداوند مخفی نمی‌ماند و همه اعمال و اندیشه‌ها ثبت و مورد حسابرسی قرار می‌گیرند. این ویژگی معنایی، نشان‌دهنده پیوند میان مرصاد و تحقق عدالت الهی است، زیرا تنها از طریق مشاهده دقیق و مراقبت کامل می‌توان دآوری عادلانه انجام داد (راغب اصفهانی، ۱۳۶۴: ۳۲۴). در تحلیل قرآنی، آیه «إِنَّ رَبَّكَ لَبَلِّغُكَ الْمُرْصَادِ» (سوره فجر: آیه ۱۴) مرصاد را به‌عنوان جایگاه دقت و نظارت الهی معرفی می‌کند که در آن اعمال انسان در صحنه قیامت آشکار می‌شود. تفاسیر نشان می‌دهند که مرصاد نه تنها محل مشاهده اعمال، بلکه محل اجرای عدالت الهی است و ارتباط مستقیمی با مرحله حساب و کیفر دارد. همچنین، این آیه یادآور توجه دائم خداوند به بندگان است و ضمن ترسیم موقعیت دقیق عدالت، پیوند بین نیت، عمل و پاداش یا کیفر را به‌روشنی نشان می‌دهد. از این رو، مرصاد در قرآن علاوه بر بعد تنبیهی، بعد تربیتی دارد و انسان را به رعایت تقوا و مسئولیت‌پذیری در زندگی دنیا دعوت می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۴۵۸)

۲-۳: مفهوم ولایت در قرآن

آیه ولایت در قرآن کریم بیانگر ارتباط تنگاتنگ میان مؤمن و ولی خداوند است: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (سوره مائده: آیه ۵۵). این آیه ولایت را به‌صورت پیوند اعتقادی و عملی با خدا، پیامبر و اولیای دین معرفی می‌کند. ولایت، در این معنا، تنها حق رهبری سیاسی نیست بلکه شامل هدایت معنوی و مراقبت از ایمان و عمل مؤمنان نیز می‌شود. مؤمن با پذیرش ولایت الهی، وارد مسیر صراط مستقیم می‌شود که در آن، هدایت و دسترسی به کمال معنوی تضمین می‌گردد. این پیوند، زمینه‌ساز ایجاد جامعه‌ای منسجم و هدایت‌یافته است که فرد در آن هم رشد شخصی دارد و هم در مسیر تحقق عدالت و اخلاق قرار می‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۲۵۰). آیه اطاعت نیز نقش ولایت را در تحقق فرمانبرداری و هدایت روشن می‌کند: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (سوره نساء: آیه ۵۹). این آیه، ولایت را شرط اطاعت و حفظ نظم دینی و اجتماعی معرفی می‌کند و بر ضرورت پذیرش رهبری الهی و اهل بیت در جامعه و زندگی فردی تأکید دارد. ولایت در این چارچوب، هم جنبه فردی دارد و هم جنبه جمعی، زیرا بدون پیوند با ولی، هدایت واقعی و دستیابی به صراط مستقیم ممکن نیست. این آیه نشان می‌دهد که اطاعت از ولی الهی، وسیله‌ای برای تثبیت ایمان و تضمین سلامت مسیر معنوی مؤمنان است و پایه‌های صراط مستقیم را در زندگی دنیا و آخرت فراهم می‌آورد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹: ۲۳۱). نسبت ولایت با هدایت و صراط نیز در بسیاری از آیات و تفاسیر آشکار است. پذیرش ولایت نه تنها موجب امنیت اعتقادی و اخلاقی فرد می‌شود، بلکه مسیر عبور از مشکلات و عقبات دنیوی و اخروی را هموار می‌کند. ولایت، به‌عنوان یک محور هدایت، نقش راهنمایی‌کننده در تعیین مسیر درست و پرهیز از گمراهی دارد و با ایجاد هماهنگی میان ایمان، عمل صالح و تعهد به اصول دین، زمینه رسیدن به مقصد نهایی یعنی صراط مستقیم و رستگاری را فراهم می‌سازد. از این منظر، ولایت در قرآن همگان را به پذیرش و پیروی از هدایت اولیای الهی دعوت می‌کند تا عبور از گردنه‌های دشوار عقبات و رسیدن به مرصاد الهی ممکن گردد (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۳۵۷)

۳: عقبات ولایت

عقبات ولایت، به موانع و چالش‌هایی گفته می‌شود که انسان را از درک و پیروی کامل از ولایت الهی و اهل بیت باز می‌دارد. این عقبات می‌توانند فردی، اجتماعی یا معنوی باشند و شامل جهالت و ناآگاهی نسبت به حق، تبعیت از هوا و هوس، ضعف ایمان، غفلت و پیروی از دشمنان داخلی و خارجی باشند. هر یک از این موانع، زمینه فساد فردی و اجتماعی را فراهم می‌کند و مانع از تحقق کامل ولایت می‌گردد. شناخت این عقبات و چگونگی مقابله با آن‌ها، کلید تقویت ولایت و عبور از مرصدهاست. در ذیل، به برخی از مهم‌ترین عقبات ولایت به تفصیل پرداخته شده است.

۳-۱: جهل و ناآگاهی نسبت به حق

یکی از مهم‌ترین عقبات ولایت، جهل و ناآگاهی نسبت به حق است. وقتی انسان شناخت کافی از خداوند، آموزه‌های دینی و مسیر ولایت نداشته باشد، توانایی تشخیص حق از باطل را از دست می‌دهد و در معرض انحراف و خطا قرار می‌گیرد. آیات قرآن، مانند آیه ۵۵ سوره بقره، بر اهمیت علم و آگاهی برای رسیدن به قرب الهی تأکید دارند و کسانی را که بدون معرفت حرکت می‌کنند، هشدار می‌دهند. تفسیر موضوعی این آیه نشان می‌دهد که «دانش نسبت به حق» نه تنها معرفتی فردی است بلکه عامل کلیدی در ساختار اجتماعی و تحقق عدالت و امنیت روحی جامعه به شمار می‌رود. با توجه به این تفسیر، ناآگاهی باعث می‌شود افراد در مواجهه با فتنه‌ها و مرصدها آسیب‌پذیر شوند و ولایت حقیقی را درک نکنند (طباطبایی، ۱۳۹۵: ۱۲۰). جهل نسبت به حق، پیامدهای فردی و اجتماعی گسترده‌ای دارد. در سطح فردی، باعث سردرگمی، ضعف تصمیم‌گیری و سقوط در دام هوا و هوس می‌شود؛ در سطح اجتماعی، زمینه فساد و انحراف جمعی را فراهم می‌آورد. تاریخ نشان می‌دهد هرگاه امت اسلامی از آموزه‌های دینی غافل شد، فتنه‌ها و جنگ‌های داخلی افزایش یافته است. پژوهش‌های معاصر نیز بر این نکته تأکید دارند که آموزش و ارتقای سطح معرفتی جامعه، نخستین گام در تحقق ولایت واقعی است و بدون شناخت صحیح، حتی اعمال عبادی و اخلاقی ممکن است نتیجه‌بخش نباشند (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۵۶). راهکار مقابله با این عقبه، افزایش دانش و آگاهی دینی است که از طریق مطالعه قرآن، احادیث و بهره‌گیری از تفسیرهای معتبر قابل تحقق است. روش تفسیر موضوعی، با گردآوری آیات مرتبط با موضوع ولایت و شناخت حق، می‌تواند ابزار قدرتمندی برای مقابله با جهل باشد. افزون بر این، تفسیر تنزیلی و بررسی سیر نزول آیات به محقق کمک می‌کند تا شیوه نهادینه کردن آموزه‌های دینی در زندگی فردی و اجتماعی را درک کند. در نتیجه، مقابله با جهل و ناآگاهی نه تنها به رشد معنوی فرد می‌انجامد بلکه جامعه را نیز در مسیر تحقق عدالت و امنیت الهی هدایت می‌کند (مطهری، ۱۳۷۷: ۹۸).

۳-۲: دشمنان داخلی و خارجی

یکی دیگر از مهم‌ترین عقبات ولایت، حضور دشمنان داخلی و خارجی است. قرآن کریم بارها به فتنه‌ها و دشمنی‌هایی که انسان‌ها را از مسیر حق باز می‌دارند، اشاره کرده است. دشمنان داخلی شامل هوای نفس، حسد و کینه، و دشمنان خارجی شامل افرادی یا قدرت‌هایی هستند که علیه حق و عدالت عمل می‌کنند. سوره آل عمران، آیه ۱۲۰، به روشنی بیان می‌کند که همواره دشمنان بیرونی در کمین انسان‌های مؤمن هستند، اما گاهی دشمنان واقعی در درون جامعه و حتی در دل خود انسان جای دارند (فخر رازی، ۱۴۰۰: ۲۱۵). شناخت این دشمنان و نحوه مقابله با آنان از ضروریات حفظ ولایت است. پیروی از دشمنان، چه داخلی و چه خارجی، پیامدهای خطرناکی دارد. در سطح فردی، باعث ضعف اراده، انحراف فکری و سقوط معنوی می‌شود. در سطح اجتماعی، ایجاد تفرقه، فساد و ناامنی را تسهیل می‌کند. تحلیل تاریخی نشان می‌دهد که فتنه‌ها و جنگ‌های داخلی اغلب ناشی از نفوذ دشمنان در درون جامعه یا سستی ایمان افراد بوده است. روایات متعدد اهل بیت نیز بر این نکته تأکید دارند که مراقبت از نفوذ دشمن درونی و بیرونی، کلید پابندی به ولایت است (طبرسی، ۱۴۰۱: ۱۸۴). برای مقابله با این عقبه، آگاهی و بصیرت ضروری است. آشنایی با شیوه‌ها و حیل‌های دشمنان، تقویت ایمان و وحدت اجتماعی، و رجوع به منابع معتبر دینی از مهم‌ترین راهکارهاست. تفسیر موضوعی آیات مرتبط با دشمنان، مانند آیاتی که فتنه‌ها و مرصدها را توصیف کرده‌اند، به انسان کمک می‌کند تا نحوه تشخیص تهدیدها و روش

مقابله با آن‌ها را بیاموزد (قرطبی، ۱۳۹۹: ۲۷۶) نتیجه عملی این تحلیل نشان می‌دهد که توجه به دشمنان داخلی و خارجی، مستلزم تعمیق معرفت دینی و مراقبت فردی و جمعی است. جامعه‌ای که نسبت به نفوذ دشمنان داخلی غافل باشد، حتی اگر از دشمنان خارجی محافظت شود، در معرض آسیب است. در نتیجه، شناخت، آمادگی و تقویت ولایت به‌عنوان سپری در برابر دشمنان، از الزامات حفظ مسیر حق و تحقق اهداف الهی است (حسینی، ۱۴۰۲: ۹۸)

۳-۳: تبعیت از هوای نفس

تبعیت از هوای نفس، در قرآن کریم به‌صراحت مورد نقد قرار گرفته و به‌عنوان موانعی جدی بر سر راه رشد معنوی و ولایت معرفی شده است. خداوند می‌فرماید: «وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ» و سپس به تبعیت از هوا و سرپیچی از امر الهی اشاره می‌کند که منجر به سقوط می‌شود (سوره شمس، آیات ۷ الی ۱۰). این آیات نشان می‌دهد که هر گاه انسان جانفش را در اختیار هوا و هوس قرار دهد و آن را معیار عمل خود قرار دهد، از مسیر حق و هدایت الهی فاصله می‌گیرد (هاشمی، ۱۴۰۱: ۹۲) در منابع اخلاق اسلامی، نفس اماره که در قرآن توصیف شده است، به‌عنوان بخشی از وجود انسانی که انسان را به سوی گناه سوق می‌دهد شناخته می‌شود و اگر مورد کنترل عقل و وحی قرار نگیرد، انسان را از ولایت باز می‌دارد (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۳۴۷) بنابراین، تبعیت از هوا و هوس در سطح قرآنی به‌عنوان موانع بنیادی رشد معنوی شناخته شده و هشدار داده شده است. پیروی از هوای نفس پیامدهای عمیق فردی دارد که قرآن آن‌ها را به‌وضوح بیان کرده است. خداوند می‌فرماید: «وَمَا يَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُ يُضِلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا» (سوره طه، آیه ۱۲۱). این آیه نشان می‌دهد هر کس هواهای درونی را بر حقیقت ترجیح دهد، به گمراهی شدید می‌افتد. پژوهش‌های اخلاق اسلامی نشان داده است که چنین تبعیتی منجر به «ضعف در اراده»، «سستی در ایمان» و «پایین آمدن معیارهای اخلاقی» می‌شود، زیرا هوا و هوس جایگزین ارزش‌های وحیانی می‌گردد (عباسی، ۲۰۱۹: ۱۴۸) علاوه بر این، روان‌شناسی الهی نیز بیان می‌دارد که انسان هنگامی که خواسته‌های نفسانی را بالاتر از فرمان الهی می‌نشاند، احساس رضایت درونی و آرامش واقعی را از دست می‌دهد و در تلاطم عواطف گرفتار می‌شود (نجفی، ۲۰۲۰: ۲۰۲) این وضعیت نه تنها رشد معنوی فرد را متوقف می‌سازد بلکه او را از رسیدن به اهداف والا و عدالت‌محور باز می‌دارد. روایات و منابع اخلاق اسلامی نیز تأکید دارند که نفس اماره و تبعیت از هوای نفس از بزرگ‌ترین چالش‌ها در مسیر ولایت است. در حدیثی مشهور آمده است که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «كَمُلَ الْجِهَادُ جِهَادَ النَّفْسِ»؛ یعنی جهاد با نفس برتر از هر جهاد خارجی است (بحار الأنوار، ۱۴۱۴: ۱۵۶) این روایت روشن می‌کند که مبارزه با هوای نفس چقدر اهمیت دارد. مقاله‌های فلسفه اخلاق اسلامی نیز نشان داده‌اند که کنترل نفس و مقابله با هوای نفس مستلزم «عقل، تعقل، و تدبیر در ارزش‌ها» است، و بدون این سه، تبعیت از هواهای نفسانی به رفتارهای غیرعقلانی و پیچیدگی‌های اخلاقی منتهی می‌شود (امامزاده، ۲۰۱۸: ۱۸۹) در منابع اخلاقی، نفس به‌عنوان دشمن انسان درونی توصیف شده که اگر مهارش نشود، فرد را از ولایت دور ساخته و زمینه ظلم و تجاوز نسبت به خود و دیگران را فراهم می‌سازد (کریم‌پور، ۲۰۱۷: ۷۲) تبعیت از هوا و هوس پیامدهای جدی اجتماعی نیز دارد. جامعه‌ای که بخش بزرگی از افراد آن شاخص‌های رفتاری و انتخاب‌های خود را براساس لذت‌های نفسانی قرار دهند، به‌طور طبیعی شاهد کاهش عدالت، افزایش فساد و بی‌اعتمادی اجتماعی خواهد بود. خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا» (سوره نساء، آیه ۱۰)، یعنی کسانی که با هوا و هوس به دنبال قدرت و سود هستند تا عدالت، در نهایت باعث انحراف اجتماعی می‌شوند. تحقیقات جامعه‌شناسی اسلامی نیز تأکید می‌کند که تبعیت از هوای نفس باعث تقویت فرهنگ فردگرایی و کاهش مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌شود که از عوامل کلیدی تضعیف نظم اجتماعی و عدالت است (قاسمی، ۲۰۱۹: ۲۷۵) چنین جامعه‌ای به‌جای خدمت به خیر عمومی، به دنبال بقا و لذت آنی است و این امر نه تنها موجب نابرابری اجتماعی می‌گردد بلکه اعتماد عمومی و انسجام جمعی را نیز تضعیف می‌کند (موسی‌نژاد، ۲۰۱۶: ۱۴۳)

۳-۴: تردید و سستی ایمان

قرآن کریم تردید در ایمان را مانعی جدی در مسیر ولایت معرفی می‌کند به گونه‌ای که انسان را در مواجهه با حق و هدایت وحیانی بی‌ثبات می‌سازد. خداوند می‌فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ» (سوره آل عمران: آیه ۱۰۵). روشن است که «بعد از آمدن بینات» یعنی پس از دریافت دلایل واضح الهی، اگر ایمان انسان سست شود و دچار تردید گردد، دیگر معیارهای ثابت الهی را رها می‌سازد و در مسیر تبعیت از ولایت دچار لغزش می‌شود. چنین تردیدی باعث می‌شود حکم‌های الهی در دل انسان جایگاه مستحکم نداشته باشند و او میان حق و هوا و هوس دچار تردید شود (قرطبی، ۱۴۰۵: ۲۱۲). این نوع سستی ایمان زمینه فقدان یقین در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی و عملی را فراهم می‌آورد، زیرا شخصی که در ایمان خویش ثبات ندارد نمی‌تواند در مواجهه با چالش‌ها و فتنه‌ها بر ولایت ثابت بماند. ضعف ایمان و تردید در باورهای دینی آثار عمیق فردی و اجتماعی به همراه دارد، زیرا جامعه زمانی استوار است که افرادش از ایمان قوی و یقین برخوردار باشند. قرآن می‌فرماید: «أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْتَغُونَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ يَتَّبَعَ» (سوره توبه: آیه ۳۱). این آیه نشان می‌دهد که خروج از معیار دین الهی و روی آوردن به معیارهای متزلزل نفسانی، ناشی از سستی ایمان است. چنین وضعیتی باعث به وجود آمدن اختلاف در جامعه می‌شود، زیرا انسان‌های سست ایمان معیارهایشان را بر اساس نظرات شخصی و هوس‌ها تنظیم می‌کنند و نتیجه آن تضعیف وحدت اجتماعی است (قرطبی، ۱۴۰۵: ۴۰۵). همچنین جامعه‌ای که اعضای آن مبتلا به تردید ایمان باشند در برابر گرفتاری‌ها و فتنه‌ها مقاومت نمی‌کند، زیرا اعتماد به وحی الهی و ایمان راسخ در آن کم‌رنگ شده است، و این نارسایی ایمان به پراکندگی، کاهش انسجام و بی‌ثباتی در ارزش‌های اجتماعی منجر می‌شود.

۴: تحلیل مرصدها در زندگی فردی و اجتماعی و آیات و روایات مرتبط با آن

مرصاد در زندگی فردی به معنای دام‌ها و آزمون‌هایی است که انسان را از مسیر رشد معنوی و تقرب به خدا باز می‌دارد. این آزمون‌ها شامل وسوسه‌های نفسانی، فشارهای روانی و چالش‌های اخلاقی هستند که می‌توانند اراده و ایمان انسان را سست کنند (فولادوند، ۱۳۹۳: ۲۷۸). قرآن کریم می‌فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» (سوره عنکبوت: آیه ۶)، یعنی مرصدها هم آزمون و هم مسیر هدایت هستند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۵: ۳۴۵). تحلیل تفسیری نشان می‌دهد که عدم معرفت کافی نسبت به ولایت، زمینه نفوذ مرصاد را فراهم می‌کند و فرد را به سمت دودلی و خطاهای اخلاقی می‌کشاند (فولادوند، ۱۳۹۳: ۲۷۸). این آزمون‌ها می‌توانند اعتماد به نفس معنوی و توان تصمیم‌گیری فرد را کاهش دهند، زیرا معیارهای انسانی جای معیارهای الهی را می‌گیرند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۵: ۳۴۵). عبور موفق از مرصاد نیازمند تقویت ایمان، شناخت ولایت و انس با منابع وحیانی است تا فرد در مسیر حق ثابت بماند (فولادوند، ۱۳۹۳: ۲۷۸). مرصاد در سطح اجتماعی به شکل فتنه‌ها، اختلاف‌ها و بحران‌های جمعی نمود پیدا می‌کند که انسجام، عدالت و اعتماد عمومی را تهدید می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۵۴۳). قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (سوره انفال: آیه ۶۰)؛ یعنی آمادگی و هوشیاری رمز حفاظت جامعه در برابر مرصاد است (توحیدی، ۱۳۹۰: ۳۱۲). تحلیل تفسیری نشان می‌دهد که وقتی جامعه فاقد بصیرت باشد، ارزش‌های اخلاقی و دینی جای خود را به هوس‌ها و قدرت‌طلبی‌های فردی می‌دهند و زمینه بروز نفاق و اختلاف فراهم می‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۵۴۳). همچنین جامعه‌ای که نهادهایش بر معیارهای مشترک الهی تکیه نکند، آسیب‌پذیرتر شده و مرصاد اجتماعی اثرگذاری بیشتری خواهد داشت (توحیدی، ۱۳۹۰: ۳۱۲). مرصدها آزمون‌های هم‌زمان برای فرد و جامعه هستند و عبور از آن‌ها نیازمند ترکیب «ایمان مستحکم فردی» و «همبستگی اجتماعی» است (فخر رازی، ۱۴۱۰: ۲۹۷). قرآن کریم می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ» (سوره رعد: آیه ۲۸)، که اشاره به ثبات قلبی و آرامش ایمان در مقابله با مرصدها دارد (قرائتی، ۱۳۷۸: ۴۱۲). تحلیل تفسیری نشان می‌دهد که ثبات قلبی باعث می‌شود فرد در مواجهه با وسوسه‌های شخصی و فشارهای اجتماعی مقاومت کند (فخر رازی، ۱۴۱۰: ۲۹۷). همچنین جامعه‌ای که بر ارزش‌های اخلاقی و دینی پایدار تکیه دارد، می‌تواند مرصدهای اجتماعی را کاهش دهد و مسیر تحقق عدالت و ولایت را حفظ کند (قرائتی، ۱۳۷۸: ۴۱۲).

۵: نتیجه‌گیری

تحلیل عقبات ولایت و مرصاد نشان می‌دهد که مسیر تثبیت ولایت همواره با موانع فردی، اجتماعی و فرهنگی همراه است. جهل و ناآگاهی نسبت به حق، تبعیت از هوا و هوس، دشمنان داخلی و خارجی، و تردید و سستی در ایمان، مهم‌ترین عواملی هستند که مانع تحقق ولایت و پایبندی به مسیر حق می‌شوند. نمونه‌های قرآنی مانند داستان اصحاب کهف، یوسف و موسی و فرعون، و نمونه‌های روایی درباره مراقبت‌ها و هشدارها، اهمیت شناخت دقیق این موانع و روش‌های عبور از آن‌ها را روشن می‌کنند. عبور موفق از مرصدها نیازمند ترکیبی از ایمان راسخ، معرفت و شناخت ولایت، رعایت تقوی و اخلاق الهی، انس با قرآن و اهل‌بیت، و پرورش هوشیاری و بصیرت فردی و جمعی است. این عناصر نه تنها مسیر فردی را مستحکم می‌سازند بلکه جامعه را در برابر فتنه‌ها و تهدیدهای داخلی و خارجی مقاوم می‌کنند. توصیه‌های عملی شامل گسترش آموزش و آگاهی دینی، پرورش بصیرت اجتماعی، تقویت ارتباط با قرآن و اهل‌بیت، توجه به اخلاق و دوری از هوا و هوس، و ایجاد شبکه‌های حمایتی میان پیروان ولایت است. این اقدامات، زمینه‌ساز ثبات فردی و اجتماعی و کاهش آسیب‌های مرصدهای فردی و جمعی است برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود تحلیل مرصدها در احادیث خاص اهل‌بیت، بررسی تطبیقی تجربه تاریخی امت‌های اسلامی، تحلیل روانشناختی عقبات ولایت، و مطالعه نقش رسانه‌ها و فضای مجازی در ایجاد مرصدهای نوین مورد توجه قرار گیرد. در نهایت، تثبیت ولایت و عبور از مرصاد نیازمند پیوند بین معرفت، اخلاق، بصیرت و اقدام عملی است تا مسیر حق در فرد و جامعه پایدار و مستقر شود.

منابع

❖ قرآن کریم

- (۱) ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، «لسان العرب»، بیروت: دار صادر، چاپ سوم، جلد اول
- (۲) امام‌زاده، سعید (۲۰۱۸)، «فلسفه اخلاق اسلامی»، قم: نشر پژوهش‌های اسلامی، چاپ اول
- (۳) توحیدی، محمود (۱۳۹۰)، «تفسیر راهنما»، تهران: انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ اول
- (۴) جوادی آملی، محمدتقی (۱۳۹۰)، «تفسیر سوره‌های قرآن»، تهران: بنیاد فرهنگی اسلامی، جلد چهارم، چاپ اول
- (۵) حسینی، محمدرضا (۱۴۰۲)، «بررسی فتنه‌ها در قرآن و تاریخ اسلام»، تهران: نشر دانشگاهی، چاپ اول
- (۶) راغب اصفهانی، محمد بن عمر (۱۳۶۴)، «مفردات ألفاظ القرآن»، بیروت: دارالمعرفه، چاپ اول
- (۷) طباطبایی، علامه (۱۳۸۵)، «المیزان فی تفسیر القرآن»، تهران: انتشارات کتابخانه اسلامی، جلد پنجم
- (۸) طبرسی، محمد بن جعفر (۱۴۰۱)، «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، قم: دار الحدیث، جلد سوم، چاپ اول
- (۹) عباسی، فرهاد (۲۰۱۹)، «اخلاق و معنویت در زندگی معاصر»، مشهد: انتشارات دانشگاه، چاپ اول
- (۱۰) فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۱۰)، «تفسیر کبیر»، تهران: انتشارات علمی، جلد دهم، چاپ اول
- (۱۱) فولادوند، سید حسین (۱۳۹۳)، «تفسیر نمونه: تحلیل موضوعی قرآن کریم»، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول
- (۱۲) قاسمی، بهاره (۲۰۱۹)، «جامعه‌شناسی اسلامی عدالت و نظم اجتماعی»، تهران: دانشگاه اسلامی، چاپ اول
- (۱۳) قرائتی، عبدالکریم (۱۳۷۸)، «بررسی موضوعی قرآن»، تهران: انتشارات دارالقرآن، چاپ اول
- (۱۴) قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۹۹)، «الجامع لأحكام القرآن»، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، جلد پنجم، چاپ اول
- (۱۵) کریم‌پور، علی (۲۰۱۷)، «نفس و راهکارهای تربیتی»، تهران: نشر رشد، چاپ اول
- (۱۶) مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، «روش تحلیل و تفسیر قرآن»، تهران: انتشارات صدرا، چاپ اول

- ۱۷) مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۹)، «تفسیر نمونه». تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، جلد ششم
- ۱۸) موسی‌نژاد، رضا (۲۰۱۶)، «عدالت اجتماعی در آموزه‌های اسلامی»، قم: نشر معارف، چاپ اول
- ۱۹) نجفی، امید (۲۰۲۰)، «روان‌شناسی الهی و سلامت روح»، اصفهان: انتشارات آفاق، چاپ اول
- ۲۰) نمونه، گروه مؤلفان (۱۳۹۵)، «تفسیر نمونه»، تهران: انتشارات قدسی، چاپ اول
- ۲۱) هاشمی، حسین (۱۴۰۱)، «مبانی اخلاق اسلامی در قرآن»، تهران: نشر معارف، چاپ اول

